

مسئولان هشدار!

فرهنگ

اشرافیت

و ابتدال

حاکم

می شود!!

قرآن و عترت توصیه فرمودند. تاریخ نیز نشان داد که چه سریع این انحراف رُخ داد و امت اسلامی به کدام سو کشیده شدند که دود آن انحراف قرن‌ها و تا امروز به چشم مسلمانان و کل بشریت رفته و می‌رود. گرچه در پرتو هدایت اهل بیت عصمت خط اصیل اسلام محفوظ ماند اما کیست که نداند آن بدعت‌ها و کج روی‌ها چه فاجعه‌ای در حیات بشریت به وجود آورد!

این است که فرزندان واقعی انقلاب و دلسوخته‌های مخلص باید خطر انحراف از ارزشها را جدی بگیرند و بیش از هر کس طلایه‌داران هدایت و عالمان آگاه و نیروهای خالص و سوخته‌دل با هوشیاری و درایت و احساس مسئولیت مراقب توطئه‌ها باشند و تصور نکنند این کشتی دیگر از طوفان خطر رهیده است و امواج متلاطم و هدایت‌شده آنرا راحت و در مسیر اصلی باقی می‌گذارد. آن هم انقلابی که پس از قرن‌های طولانی حاکمیت ظلم و جور، به جهان رُخ نموده و نور امید در دل‌های پژمرده مستضعفان افروخته و قدرتهای اهریمنی شرک و استبداد و کفر و فساد را تهدید کرده و به موضع انفعالی کشانیده است. انقلابی که می‌خواهد تا انقلاب جهانی مهدی به پیش رود و رایت آن را به دست آن حضرت بسپارد این انقلاب لحظه به لحظه پاسداری می‌خواهد نه تنها در برابر حملات مستقیم که شاید دورانش سپری شده باشد یا حالیه مجال آن نیست. بلکه در برابر حملات غیر مستقیم که بدست دشمن طراحی می‌شود و دوست آنرا اجرا می‌کند و جامعه ناخواسته به سوی آن کشیده می‌شود... در کلمات دانشمندان آمده که دو چیز است

امت اسلام نیز پس از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله دست خوش چنین انحرافی شد. قرآن نیز از این آینده تاریک خبر داد و گفت: «وما محمد الا رسول قد خلت من قبله الرسل افان مات او قتل انقلبتم علی اعقابکم». آیا اگر پیامبر خدا مرد یا کشته شد شما به دوران جاهلیت رجعت می‌کنید؟

پیامبر اکرم نیز از تیره ابره‌ای فتنه و حاکمیت فساد و اشرافیت و بدعت بعد از خود هشدار دادند و مردم را به تمسک و چنگ زدن به

طنی مقالات پیشین از نفوذ اشرافیت در جامعه و هدایت و گسترش فرهنگ ابتدال از سوی نیروهای وابسته به بیگانگان سخن گفتیم، اما این بار و در ضمن این رنجامه سخن از نفوذ این موج در پاره‌ای دستگاه‌های دولتی و نهادهای تبلیغی و افتادن برخی مسئولین و نهادها و رسانه‌ها در این موج خطرناک است و دورنمای تاریکی که از این انحراف به چشم می‌خورد.

می‌خواهیم مقداری بازتر سخن بگوئیم چرا که اگر با تسامح و تساهل و محافظه‌کاری با مسئله روبرو شویم برای فردا در پیشگاه خدا، وجدان و انسانیت و جامعه پاسخی نخواهیم داشت. امام صادق علیه السلام فرمود: «صدیقك من صدقك لامن صدقك». دوست تو آنکس است که به تو راست بگوید نه آنکه به قربان گو باشد. (که متأسفانه در دومی مقام و آب و نان بیشتری فراهم می‌شود).

انحراف از اصول مکتب

انحراف از مسیر در یک مکتب و تغییر روحیات انسانهایی که نماینده آن مکتب‌اند چیزی است که به آسانی اتفاق می‌افتد، خیلی آرام و بگونه‌ای که خود آنها هم که در موج افتاده آنرا درک نمی‌کنند. و بزرگترین خطر برای یک مکتب و یک انقلاب همان انحراف از مسیر اولیه است که نام و شعار بماند اما عمل در مسیری خلاف شعارها باشد و اصولی حاکم گردد درست برخلاف آنچه گامهای اولیه، حاکم بود.

غالب انقلابات اعم از معنوی یا مادی از این خطر مصون نمانده و از اینجا ضربه خورده‌اند.

که بطور ناخود آگاه اتفاق می افتد، خواب برای فرد و انحطاط برای یک ملت ...

آنچه در این مقال می گذرد نه از روی سوءظن و کج اندیشی و نه از باب بزرگ جلوه دادن نقطه های انحرافی کوچک است. بلکه از روی واقع بینی است. خطر امروز، خطر انحراف از خط امام و شعارهای انقلاب و آنچه ملت به پای آن صدها هزار شهید و مجروح و مفقود داد و چه مصیبتی است که برای دستاوردهای انقلاب به جان خرید و اینک می بیند بر آن ارزشها از سوی دشمن و دوست هجوم می شود و بی تفاوتی ها آن را ناچیز می انگارد و تنز «می خواهیم زندگی کنیم» جای دیگر ارزشها را پرمی کند! غده های سرطانی در کالبد انقلاب نفوذ کرده و دارد ریشه می کند و از رشد روزافزون آن باید هراسید و تا دیر نشده آن را جراحی کرد. این غده ها که اینک به مفهوم تراکم چند سلول بدخیم هم است خطرش در آئینه نه چندان دور حتمی است و لذا برای ریشه کن ساختن آن باید دست بکار شد.

برای مثال دو نقطه حساس را که دست در گریبان یکدیگر دارند، انگشت می گذاریم. این دو عبارتند از ابتدال فرهنگی رویه گسترش و دیگری اشرافیت که از قشرهای مرفه جامعه کم کم دارد به دستگاههای دولتی نفوذ می کند در حالیکه سایه فقر و محرومیت بر قشرهای وسیعی از مردم ما سایه افکن است.

در مورد ابتدال فرهنگی موارد بسیاری می توان نشان داد که از حوصله مقال خارج است و تنها آنچه که از سیمای جامعه مشهود است و نمودارهایی از فیلم و نوار، و هنر و جشنواره ها و تبلیغات جانبی آنها و مسئله بدحجابی و فساد اخلاق در قشر معتمایی از عناصر ابتدال گرا را خاطر نشان می کنیم.

فرهنگ و هنر عصر طاغوت در حال بازگشتن است!!

یک مسئله حساسی که امروزه مردم مسلمان و مؤمنان متعهد را رنج می دهد مسئله هنر، فیلم، سینما، تئاتر و مظاهر دیگر ابتدال و شیوع

روزافزون آن است. شاید بگوش مسئولین نرسد و دیوارهای بلند و اتومبیلهای لوکس زرهمی حائل باشد که مردم درد دل سوخته خود را بگوش دست اندرکاران امور برسانند. اما سخنان و درد دلها از این قبیل در سطح جامعه متدین ما فراوان است که:

چرا ترانه های عصر طاغوت از لایله آرشو صدا و سیما استخراج و از این رسانه ها پخش می شود؟

چرا گمرکات کشور نوارهای مبتذل و بدنثونی و سایر وسائل عیش و نوش را کنترل نمی کنند؟ چرا از آن هنگام که گمرکات گشاد شده واردات مبتذل و ضد اخلاق افزایش چشمگیری داشته است؟

چرا صدا و سیما زنان رنگ و روغن شده را در کنار مردان جوان و جلو چشم پسران و دختران در فیلم و تئاتر نمایش می دهد؟

چرا در فضای دانشگاه ها و کلاسها دخترها با قیافه های بسیار زنده ظاهر می شوند و احدی حرف نمی زند؟

آیا این صحنه ها با فرهنگ انقلاب در تضاد نیست، آیا اینها روح جوانان مسلمان را نمی آزارد، و نسلهای دیگر را به انحراف و فساد سوق نمی دهد پس مسئولین دانشگاه ها و اساتید معارف اسلامی و نیروهای انقلابی و انجمن های اسلامی چه کاره اند؟

چرا مجلات و سینماها چهره زنان هنرپیشه را با آرایش هر چه تمام تر در تابلوها و فیلم ها آگراندیسمان می کنند تا بهمان شیوه زمان طاغوت مردم را با کالای زیبایی زنان هنرپیشه جذب کنند؟ تنها فرق یک وجب روسری تور پشت سر آنها است آنهم برای بستن دهن ها ...

چرا جشن واره های دهه فجر جمهوری اسلامی به هنرپیشه های عصر طاغوت جایزه می دهد و هنر منسوخ آن عصر را تشویق و احیا می کند؟

چرا اتمام سوگواری امام حسین علیه السلام و عاشورا فیلم عروس در سینماهای کشور انقلابی ما نمایش داده می شود؟

چرا عصر روز رحلت پیامبر اکرم سینماهای تهران باز بود در حالی که حتی در زمان طاغوت در این روزها سینماها تعطیل می شد؟!

چرا شب بیست و هشت صفر و رحلت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و امام حسن مجتبی علیه السلام شهر بازی و امثال آن تا بعد از نیمه شب پذیرای مردان و زنان غرق آرایش و در حال عشق و حال بود.

چرا تا نیمه های همان شب بارکها شاهد هزاران دختر و پسر و مرد و زن بود که درهم می لولیدند و در کنار گلهایی که شهرداری با خون دل ملت آبیاری کرده در حال و هوای نفسانیات خود بودند؟

و چرا... و چرا...؟
و چرا اشعار عرفانی حضرت امام را با آهنگهای تند و نامناسب با شأن رفیع آن بزرگوار از صدا و سیما پخش می کنید؟

و چرا زنان مانتو روسری پوش را با زلفهای افشان کنار قبر مطهر حضرت امام در حرم راه می دهید؟

و چرا... و چرا...؟

و چرا نسبت به همه چیز بی تفاوت شده اید؟

به یکی از فیلم های پر مشتری اشاره کنیم

فیلمی که بعنوان یکی از بهترین فیلمهای انقلاب ساخته شد و هنر دوستان بشعریف و تمجید از آن پرداختند و درباره آن مجلات داستان سرائی ها کردند و حتی ویژه نامه سینمای «سوره» نشریه حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی! در شماره بهار ۱۳۷۰ خود بر خلاف وظیفه اش و برخلاف انتظاری که از این نهاد دارند برای آن تیشرزده که «نمونه ای از سینمای مطلوب!» و سه صفحه مجله را به ستایش از ساختار هنری آن پرداخت بعلاوه عکس رنگی جالب و سایه روشن از داماد و عروس و آرایش تمام و دلفریب آن را در نخستین صفحه با کاغذ گلنمه پخش کرد!!! جا دارد بپرسیم این فیلم، مطلوب چه کسانی بود؟



زهی افتخار! برای دست اندرکاران هنر!

این اعلام خطر است نسبت به باورهای اعتقادی مردم که حتی در عصر طاعون از دستبرد زمان محفوظ ماند... و امروزه عملکردها در عقائد مردم نیز رخته کرده و بدین جا رسیده است...

آن مقام مسئول که می بایست طرح مبارزه با منکرات را اجرا کند، می گوید: برای مبارزه با فساد و ابتدال اعمال زور و تعقیب خیابانی فایده ندارد و باید به سراغ کار فرهنگی رفت. کار فرهنگی درست، اما باید پرسید آیا اینهاست کار فرهنگی که امروزه مجلات و فیلمها و هنردوستان ما می کنند؟! و نمونه آن فیلم عروس و امثالش...

کتابخانه های تهران خلوت شده اما صدها هزار نیروهای جوان پسر و دختر سرشار از غریزه جنسی با اینگونه فیلمها تغذیه می شوند و ما را خواب برده است. به سینماهای تهران و تابلوهای تبلیغاتی آنها سری بزنید و مجلات فیلم و هنر و جلوه های روشن فکری و دیگر نشریات ابتدال پرور و برخی کتابها و کتاب فروشها را تفحص کنید به شهر بازیها و پارکهای بی حصار و مهار گذری بکنید که بسیجها دیگر برای نهی از منکر جرات نمی کنند آنجاها ظاهر شوند چرا که حامی ندارند و حتی مؤاخذه هم می شوند... به فروشگاههای بالای شهر و جلوه های تجمل و رفاه نگاهی بیفکنید، مدهای جدید لباس، مدل های رنگارنگ و آرایشهای جور و واجور زلف و خنق و خال زنان عروسکی را در حجاب با اصطلاح اسلامی!! ببینید، به مغازه ها که آلات لهو و لعب و تار و تنبک و سنتور را در معرض فروش نهاده و کلاسهای آموزش ضرب و ترانه و غیره که علناً تبلیغ می کنند و سایر مظاهر فساد سری بزنید و آنگاه قضاوت کنید آیا اینها با فرهنگ انقلاب همخوانی دارد؟ و آیا برای جلوگیری از این روند و اسلامی کردن فرهنگ چه کرده ایم، ما هنوز نشوانسته ایم حجاب اسلامی را در ادارات و دانشگاههای دولتی و آزاد بدرستی پیاده کنیم و پاره ای اساتید منحرف صریحاً افکار طاعونتی و

شایسته عصر طاعون ساعتها در صف می ایستند و آنجا می آموزند که دختر در جامعه ایرانی عصر انقلاب و فرهنگ کنونی حاکم در کسوت عروس و جلو چشم هزاران تماشاچی چگونه باشد! هزارها دانش آموز مستضعف این روزها بعلمت نداشتن کیف مدرسه و روپوش جلو همکلاسیهایشان خجالت می کشند و اولیایشان نمی توانند برای آنها این کالای ناچیز را تهیه کنند اما در همین شرایط در کنار آن تجمل گرایی های مردمی و دولتی و جشنواره ها و تالارها و نهادهای هنری آب توی آسیاب اینگونه بهره ها و اینگونه کارگردان ها و فیلمها می ریزند و دانسته و ندانسته مروج ابتدال و فساد و اشرافیت پلید شده اند که سرمایه از راه می رسد. وزارت ارشاد اسلامی هم که جایگاه مسئولیتش در کنترل فیلمها مشخص است چه پاسخی در برابر این ملت و در پیشگاه خداوند تهیه دیده است؟! مؤسسات فیلم سازی می سازند، طاقونچه ها کارگردانی و بازی می کنند، مجلات ترویج و ارشاد اجازه پخش می دهد و صدا و سیما تبلیغ آن را تا اعماق خانه ها و روستاها می رسانند و همه دست در دست هم داده تا تقابای ایمان انقلابی این مردم را تاراج کنند دوستان نیز در دام فریب دشمنان افتاده اند.

راستی اگر وضع بدین منوال پیش برود، ما به کدام گورستانی می رویم؟! با این فیلمها می خواهید چه چیز را به جوانان این مملکت بیاموزید! آنچه را که غریزه می طلبد و آتش هوس دامن می زند و مستقیم و غیرمستقیم به دام فساد می افکند! این فیلمها جز اینکه مروج بی حجابی و ابتدال و اشرافیت و سرگرمی و عاشق پیشگی و دلبری و دلدادگی برای عده ای و عقده ناشی از محرومیت برای عده دیگری باشد چه چیز دیگر را ترویج می کند؟! مدیر عامل مؤسسه این فیلم با افتخار و تیختر گفت حتی در ایام عاشورا و محرم فروش این فیلم اُفت نکرد و این غیرمتنظره بود!!!

صاحبان اصلی انقلاب و بیت المال و مردم مؤمنی که در انتظار انجام رسالت هنری و تبلیغی چشم براه اند. یا مطلوب آنها که بدنبال مشاغل زیبا و خاطره های عاشقانه و ریزه کاری های هنری آنجنانی اینجا و آنجا پلاس می شوند؟! فیلمی که بقول مدیر عامل مؤسسه فیلم سازی در تهران ۳۵ میلیون تومان طی چند هفته فروش داشته و بقول آن دختر هنر پیشه که نقش عروس را بازی می کرده صدها خواستگار از همان شبهای اول به سراغ او آمده اند و داستانش از این دست درباره این فیلم فراوان است.

این اوضاع در عصر شاه مسئله ای نداشت! اما در کشور جمهوری اسلامی که هنوز نسل اول انقلاب زنده اند و صدای امام در گوشها طنین انداز است و معلولین آن در گوشه های عزلت خنزیده و با رنج و آلام جسمی و روانی دست بگریبان اند و مادران فرزند داده هنوز چشم براه عزیزانشان هستند! امثال این فیلمها در کشوری اینگونه ترویج و استقبال می شود که هزاران مشکل مادی و معنوی بر سر راه دارد و مردم عده ای بر دینشان گریه می کنند و عده ای بر دنیایشان، کشور نوپائی که مشکلات جنگ و توطئه های نظامی و سیاسی را پشت سر گذاشته و در حال بازسازی است اما اخلاق و ارزشها و فضائلیش یکی پس از دیگری در معرض تاراج قرار می گیرد.

صدا و سیما این فیلم را تبلیغ می کند و به گفتن عروس را با کیفهای شرم آور و تقریباً بی حجاب با فیلم رنگی نشان می دهد و کار تجاری به شیوه اروپا گانه های غربی انجام می دهد. و این همان سازمانی است که امام آن را دانشگاه بزرگ نامیدند و امروز بدین سو کشیده می شود و فردا معلوم نیست چه خواهد کرد و مسئولین کنترل و نظارت نیز معلوم نیست چه می کنند...

برای این فیلم چه کسانی سرودست می شکنند؟ بسیجهای جبهه دیده یا آنها که تنها برای تماشاای زیبایی دختر هنر پیشه ۲۰ ساله و غرق آرایش و تقریباً بی حجاب شبیه دختر

ضد دینی را تزریق جوانان می کنند. آن هم مجلات روشنفکران و کتابهای سکس و نوارهای ضد اخلاق که سهواً و عمداً از زیر دست کنترل چی های مطبوعات رد می شود و بعداً صدایش در می آید. اشتباه ما در این است که فکر می کنیم با سعه صدر و ژست های روشنفکرانه می توانیم افراد ناراضی را جذب انقلاب کنیم! شاید مسئولین فکر می کنند با میدان دادن به عناصر بوالهوس و عنان گسیخته می توانند آنها را خوشبین کنند اگر چنین تصویری است باید گفت آقایان! جذب عناصر فاسد با این اعمال و دیدگاه ها نه تنها برای انقلاب و سیاست نظام افتخار نیست بلکه شکست و عقب نشینی و ترک مواضع انقلابی است. ما اگر دهن چهارتا فاسد و طاغوتی را ببندیم که از ما راضی بشوند که البته هرگز نخواهند شد، میلیونها انسان ارزشمند و مؤمن و صدیق را که سپر بلای روزهای حادثه ها بوده و هستند و با ریاضت و تحمل از انقلاب و میهن دفاع می کنند از دست می دهیم... و این خطر در همه زمینه ها یک تهدید بالقوه برای آتیه اسلام و انقلاب است. امروزه جوانان مؤمن از عنان گسیختگی های مثنی بوالهوس و بی تفاوتی های مسئولان و دامن زدنهای برخی دستگاه های دولتی و برخی نهادها به این اوضاع رنج می برند. شما به میان مردم بیائید و با ستش افکار کنید، ببینید اینطور هست یا نه! اگر نزدیک بودید قضاوت ها بگونه ای دیگر بود. منتقدین، علمای حوزه ها، نیروهای انقلابی از آنچه در فضای هنر و رسانه ها می گذرد و خلاف شرع هایی که در تحت لوای اسلام مع الأسف مشروع می گردد، دل خوشی ندارند. توجه به اینها مهمتر است یا جلب رضایت معدودی پولدار و سرمایه دار زن و مرد عیاش؟!!

از تحول ایام بترسیم، مغرور نباشیم، به فکرها و نقدها و اندیشه ها بها بدهیم، سوز دلها را حمل به تضعیف و کارشکنی و سوء ظن نکنیم. این انقلاب آنقدر باشکوه است که با قلم به وصف نمی آید، آیا حیف نیست بخاطر پاره ای اتحراف ها و تجمل گرانیها و تسامح و تساهل ها و

بی تفاوتی ها بر آن خدشه وارد کنیم؟ بگذارید بفرقتنها از ما ناراضی باشند، این مضمون از سخنان امام راحل و بنیانگذار جمهوری اسلامی واسوه کرامت است، به یادتان باشد که برای ما افتخار است آنها از ما ناراضی باشند و اگر روزی آنها از ما تعریف کردند بدانید که ما منحرف شده ایم... امروز مثنی ضد انقلاب در کسوت تقدس و غیر تقدس هستند که بی بهانه می گردند که دیگران را به مخالفت و ناراضی دعوت کنند و فضای بدبینی ایجاد کنند، بهانه بدست اینها ندهید، ابتذال و اشرافیت مورد بحث بدست گروهی دیگر اجرا می شود اقا بهانه جویان آن را به حساب اصل نظام می گذارند، با برخورد قاطع در برابر آنچه از جلوه های فساد و اشرافیت رخ نموده است خود را از معرض اتهام برهانید... واقعاً حیف است که عناصر دلسوز و خدوم جامعه و انقلاب چوب عده دیگر را بخورند. تحمیلهای عوارض و خودباری و غیره را عده ای می کنند اما به حساب بی رحمی نظام گذاشته می شود، تجمل گرانی برخی مسئولان و برخی وزارتخانه ها و دکوراسیونهای میلیونی را به حساب نظام می گذارند و آن را متهم به تجمل گرانی می کنند، اکیپ آشپزخانه از مرکز به شهرستان بزدن و سفره چهارصد هزار تومانی را فلان مسئول خود کم بین در فلان شهرستان انجام می دهد اما این به حساب نظام گذاشته می شود. استخرهای لوکس و حمام سونا و تجملهای دیگر با پول بیت المال را در فلان مؤسسه یا وزارتخانه به راه می اندازند اما این به حساب نظام گذاشته می شود و این وظیفه سیاستگزاران است که با این شیوه عمل مبارزه کنند و مرتکبین را مواخذه نمایند تا عملاً اثبات شود نظام همان راهی را می رود که بنیانگذار آن ترسیم کرد که این بحث دیگری است و آن را به موقعیت دیگر موکول می کنیم. آنچه بعنوان مثال در این مقال آمد گرچه نقطه های نسبتاً کوچکی است اقا خوف این هست که از این زاویه های کوچک به شکافهای عمیق و عمیق تر و فاصله میان ایده های

انقلاب و عملکردها و جریانات اجتماعی برسد. لذا میکرب فساد را باید در نقطه خفه کرد و این نیاز به بحث و گفتگو و نقد آزاد دارد که صاحبان بیان و قلم با لحن نصیحت به مسئولان تذکر دهند.

تجمل گرانی مسئولان الگوی بد آموزی مردم

اخیراً روزنامه کیهان (۷۰/۶/۱۸) گزارشی تحقیقی از تجمل گرانی برخی مسئولان و تأثیر آن بر روحیه مردم از زبان مردم تهیه کرده بود که ما پاره ای نکاتش را تکرار می کنیم باشد که عامل هشدار برای آنها باشد که در دام تجمل گرانی و نفس گرفتار آمده اند.

امام خمینی (سلام الله علیه):

«از زنی خود خارج نشوید و از گرایش به تجملات و زرق و برق دنیا که دون شأن و اعتبار نظام جمهوری ایران اسلامی است پرهیز کنید.» رهبر معظم انقلاب حضرت آیت الله خامنه ای:

«نمی شود ما در زندگی مادی فروروییم و بخواهیم مردم به شکل یک اسوه به ما نگاه کنند...».

مردم و صاحب نظران، خرید صدها بنزو اتومبیلهای گران قیمت دیگر را برای مسئولان غیر ضروری دانسته اند.

طبق آمار سالانه دست کم ۱۷ هزار نفر از مسئولان به سفرهای خارج می روند. روزانه صدها اتومبیل گرانقیمت در خیابانها به جولان درمی آید قالیچه هائی که ۱۲ سال پیش از ادارات جمع آوری شده بود دوباره در برخی جاها پهن شده اند. میزها و دکوراسیون اطاق عده ای از مسئولان دائم در حال تغییر است، استفاده شخصی از اتومبیل های دولتی و دیگر امکانات دولت در برخی سازمانها به شدت رائج است. میهمانی های متعدد و پر زرق و برق رائج شده است. پهن کردن سفره های چند صد هزار تومانی بتدریج معمول می شود. و سکونت در خانه های ده ها میلیونی...

بقیه در صفحه ۳۷

و در میان عبادات - که تنها راه تکامل انسان می باشد - نماز به عنوان محور و محک زد یا قبول قرار داده شده است:

«ان قلت قبل ما سواها وان ردت رذما سواها».

- اگر نماز قبول شود سایر عبادات نیز قبولند و اگر رد شود بقیه عبادات نیز مردودند.

و این بخاطر پیوند و ارتباط گسترده ای است که بین نماز و دیگر عبادات برقرار است و این ارتباط به طور اجمال بخواست خداوند در ضمن بحثهای آینده مورد اشاره قرار خواهد گرفت.

از آنجا که نماز مهمترین وسیله تقرب انسان به خدا و رسیدن به کمالات اخلاقی است طبعاً به همان نسبت مؤثرترین عامل بازدارنده از تمام زشتیها و منکرات است:

«ان الصلوة تنهى عن الفحشاء والمنکر»

(سوره عنکبوت/ 45)

همانا نماز - انسان را از زشتیها و امور ناپسند باز می دارد. و چنین تعبیری با این صراحت و جامعیت فقط در مورد نماز در قرآن مجید آمده است.

بویژه که انسان همواره به لحاظ مقتضیات طبیعی اش با دنیا و متعلقات آن در تماس مستمر بوده و به طور مداوم در معرض آلودگیها و ظلمتهای مربوط به آن میباشد در این میان نماز گذشته از نقش شگرف و تأثیر عمیقی که در پیوند انسان با خدا و عروج به سوی کمال و عالم ملکوت دارد، چون تنها عبادتی است که به صورت مستمر و غیر قابل تعطیل در هر روز پنج بار تکرار می شود، از این جهت نیز نقش گسترده تری نسبت به سایر عبادات در سازندگی و پاکسازی انسان دارد.

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود:

«اما مثل الصلوة فیکم کمثل السری - وهو النهر - علی باب احدکم یخرج الیه فی الیوم والليلة یغتسل منه خمس مرآت، فلم یبق الدرن علی العسل خمس مرآت ولم یبق الذنوب علی الصلوة خمس مرآت».

(مجتبة البضاء - ج ۱ - ص ۳۳۹)

همانا مثل نماز در - زندگی - شما همانند نهر آبی است در آستانه

درب خانه یکی از شما که در هر شبانه روز به سوی آن می شتابد و خود را پنج بار در آن شستوشو دهد پس همان گونه که با پنج بار شستشو هیچ چرک و آلودگی بر بدن باقی نمی ماند با پنج بار نماز در شبانه روز گناهی باقی نمی ماند.

همانگونه که قبلاً اشاره کردیم نماز مانند سایر عبادات دارای ظاهر و باطن و صورت و معنی است که ظاهر و صورت را می توان به جسم و باطن و معنی را به روح تشبیه کرد و معلوم است که حیات و سایر مزایا مربوط به روح است و جسم بدون روح بی ارزش است.

گفتیم که برای هر یک از ظاهر و باطن یا صورت و معنی شرایط و اجزائی است که با تحقق آنها صورت و معنی نماز متحقق می شوند و به طور کلی نماز دارای دو مرتبه است: نماز صحیح که مجزی و مسقط تکلیف است و شرایط تحقق آن را شرایط صحت می نامیم و نماز مقبول که موجب ثواب و عروج و تقرب انسان به ساحت قدس الهی است و شرایط تحقق آن را شرایط قبول می نامیم گرچه نماز مقبول به نوبه خود به حسب کیفیت تحقق شرایط آن دارای مراتب بی شماری است.

در هر صورت، نماز به هر مرتبه ای که تحقق یابد متناسب با آن مرتبه موجب کمال و دور کننده از بدیهاست و می توان گفت یک تلازم قطعی بین نماز و نتایج آن برقرار است. و در هیچ صورت نماز در شون و امور زندگی دنیا و آخرت انسان بی اثر نیست، لکن شدت و ضعف تأثیر و گستردگی و عمق آن دقیقاً مربوط است به کیفیتی که نماز هر کس از آن برخوردار است و با این بیان جواب اینکه می گویند چرا فلان کس نماز می خواند و در عین حال آلوده به گناهان است روشن می شود. چرا که اولاً آثار کامل نماز برای نماز کامل است ثانیاً همین شخصی که فرضاً ادنی مرتبه نماز را که همان صحیح ظاهری است انجام می دهد اگر همین نماز را نمی خواند یا با شخصی که نماز در همین مرتبه را نمی خواند مقایسه بشود باز هم به طور نسبی و متناسب با همین مرتبه از نماز، بهتر است و آلودگی کمتری به بسیاری از گناهان دارد.

ادامه دارد

از نجل گرانی و اسراف و لوکس گرانی بر حذر می داشتند اقا این بار این مردمند که به مسئولان می گویند: «از نجل گرانی بپرهیزید».

حافظ خوب می گوید:

فردا که پیشگاه هدایت شود بدید

شرمنده رهروی که عمل برعجاز کرد

از لحاظ شرعی و قانونی خالی از اشکال نیست و بسیاری در بازگشت از سفر خارجی طبق مصوبیتی که دارند وسایل تجملی و لوکس که ورود آنها به کشور ممنوع است سوغات می آورند و... و خدا به این آقایان ذین و تعهد عطا بفرماید... همیشه این مسئولان بودند که مردم را

بفیه از فرهنگ اشرافیت و...

طبق آمار سالانه ۲ هزار تن از مسئولان با پاسپورت سیاسی و ۱۵ هزار نفر دیگر با گذرنامه خدمت به عنوان مأموریت به کشورهای مختلف جهان سفر می کنند، تعدادی اعضای خانواده خود را با هزینه بیست الی سه هزار دلار همراه می برند که